



تاریخ
۱۶
فروردین
۱۳۹۷
پنج‌شنبه

ضرب‌المثل‌های جهان

تو ارباب سخنانی هستی که هنوز نگفته‌ای ولی حرف‌هایی که زده‌ای ارباب تو هستند.

چینی

حکیم علامه شمس‌الدین محمد خفری

نویسنده: **دکتر شکرالله جهان‌مهین**، عضو هیئت‌علمی و رئیس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم و رئیس بنیاد آیت‌الله‌حق‌شناس(ره) جهرم



– ملاصدرا مؤسس حکمت متعالیه در اسفار و شواهد الزّیوییه از وی و برخی آرای او یادکرده است. قابل‌ذکر است خفزی رساله‌ای با عنوان «اسفار العارفین» یا «اسفار الاربعه» تألیف نموده‌اند که احتمال می‌رود ملاصدرا نام اثرش «اسفار الاربعه» را از این اثر خفزی گرفته باشد.
– برخی از آثار وی به زیور طبع آراسته گردیده است از آن جمله:
۱. «تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاعلی قوشچی»: که با مقدمه و تصحیح خانم دکتر فیروزه ساعتچیان، به سال ۱۳۸۲ شمسی، توسط انتشارات میراث مکتوب تهران.

۲. مجموعه رسایل الهیات علامه خفزی با عنوان «ست رسایل فی اثبات واجب الوجود بالذات و فی الالهیات»، با تحقیق و تعلیق خانم دکتر فیروزه ساعتچیان، به سال ۱۳۹۰ شمسی، توسط انتشارات مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳. «تفسیر آیت الکرسی»، با تحقیق آقای جوادفاضل بخشایشی، به سال ۱۳۸۸، چاپ در مجموعه آفاق نور، شماره ۹.
۴. «اربعینات»، به کوشش عبد‌العزیز کریمی، به سال ۱۳۸۴، گنجینه بهارستان.
۵. «عبره الفضلاء»، به تصحیح دکتر احد فرامرزق‌راملمکی، به سال ۱۳۷۵، چاپ در خردنامه صدف، شماره ۴.
– شمس‌الدین محمد خفزی، شاگردان متعددی را

در کتاب آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز آمده است: «همچنین بقاع قدیمی بیرون دروازه عطا، معروف به مقصود بیگی که مدفن بزرگان

مانند، شمس‌الدین محمد علامه خفزی و… است.»(کاکائی،۱۳۷۵، ص ۷۲)

یافته‌ها و نتایج

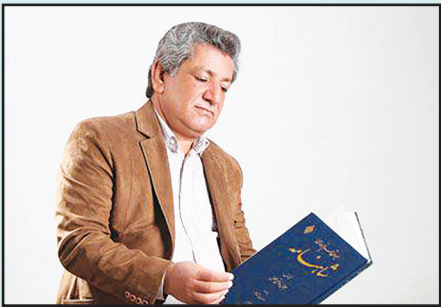
مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج این پژوهش به صورت فهرست وار در ذیل آورده می‌شود:
– با بررسی تاریخی متوجه می‌شویم که در منطقه فارس، جهرم و خفر، علمای بزرگی می‌زیستند که منشأ خدمات و آثار فراوان بوده که به رشد علمی کمک شایانی نموده‌اند. که یکی از این دانشمندان اواخر قرن نهم و نیمه اول قرن دهم هجری محمد ابن احمد خفزی است.

– محمد خفزی معروف به شمس‌الدین، فاضل، مُحَقِّق و علامه خفزی در حدود سال ۸۵۰ هجری قمری به بعد در خفر جهرم متولدشده است.
– پدرش به قولی احمد عیانی هست که از خاندان دهدار است.
– تحصیلاتش را در شیراز به اکمال رسانیده و حوزه درس بزرگانی چون سید صدرالدین دشتکی، جلال‌الدین دوانی، غیاث‌الدین منصور دشتکی، جمال الدین محمد ابن یعقوب شیرازی و … را درک کرده است.
– فرزندان منتسب به وی به نام‌های قوام‌الدین حسین و محمود دهدار عیانی هر دو راه پدر را ادامه داده‌اند و از دانشمندان عصر خویش گردیده‌اند. همچنین به قولی محمد دهدار فانی نیز نوه بوده است که وی نیز از علمای زمان خود بوده است. قوام‌الدین حسین در دانش ریاضی همانند پدرش مهارت داشته و در این باب رساله‌ای تألیف نموده است. محمود دهدار در علوم غریبه، جفر، رمل و کیمیا نیز دستی توانا داشته و صاحب تألیفاتی در این علوم است که ۱۵ رساله از آن شناسایی شده است. همچنین محمد دهدار فانی در عرفان و حکمت اسلامی صاحب‌نظر بوده که ۳۲ اثر از وی شناسایی و تعدادی هم به وی منسوب است. علامه حسن زاده آملی رساله «فضا و قدر»، محمد دهدار را تصحیح نموده‌اند که در سال ۱۳۷۲ شمسی توسط انتشارات قیام قم چاپ‌شده است.

– وی در فاصله سال‌های ۹۰۹ تا ۹۲۶ هجری به

عنوان پژوهشی: پروین پروانه‌ی بی‌پروای سپهر سیاست

پژوهش گر: هدایت باقری



از خون خارکن تقاضای وحدت و همراهی می‌کند ولی قطره خون خارکن، این گونه جواب می‌دهد:

برای همری و اتحاد با جو منی خوش است اشک یتیمی و خون نجسبری **تو از فراغ دل و عشرت آمدی به وجود من از خمیدن پستی و زحمت گمری** **تو از فروغ مناب، سرخ‌رنگ شدی من از نکوش خاری سوزش جگرگی**

در انتهای این منظره پروین نتیجه می‌گیرد که:

ز قید بندگی این بندگان شوند آزاد اگر به شوق رهایی زند بال و پری

یتیم و یریزن این قدر خون‌دل نخورند اگر به خانه غارت گری قند شوری

به‌حکم ناحق هر سفله، خلق را نکشند اگر ز قتل پدر، پرستی کند پسری

و در پایان پروین نتیجه می‌گیرد که صبر و سکوت مظلومان موجب شده که سپهر پیر، جامه بیداد بر تن کند.

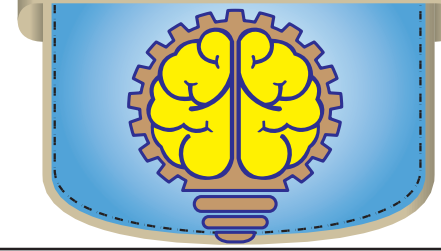
بی‌گمان تیری که از چله کمان شعر رها می‌شود، شتاب و بُردش، بسیار فراتر از نثر است. برای اثبات این دعوی بدوی و بدیهی، کافی است که بدانیم، انوشه روان یوسف

اعتصامی، پدر پروین، بیست‌ودو کتاب فاخر به چاپ رساند و نویسنده اکثر مقالات مجله علمی و ادبی بهار بود که خود مدیریت آن را بر عهده داشت. رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی هم بود، اما اکثر جامعه فرهنگی و دانشگاهی

امروزی ما، حتی نام این کتاب‌ها را هم نشینده‌اند تا چه رسد به آن‌که از باب یتیم و تیرک، تورق کرده باشند. اما دیوان پروین، هم دفتر نسرین و گل را زینت داده و هم صدرنشین دیوان اکثر شاعران، در کتابخانه‌های دولتی و شخصی است و به چندین زبان ترجمه گردیده. حتی عوام نیز خوشه‌هایی از خرمن ذوق پروین که در حکم مثل سایر درآمده‌اند، توشه انبان ذهن و زبان خودکرده‌اند.

صفحه
۵
شماره
۲۲۰۵
سال
بیست و چهارم

اندیشه



قسمت نهم و پایانی

۱۳. دوانی، جلال آل دین محمد؛ خواجویی اصفهانی، ملاّ اسماعیل (۱۳۸۱). سبع رسایل. تحقیق و تعلیق احمدتویسرکانی. تهران: میراث مکتوب.

۱۴. دوانی، علی (۱۳۶۴). مفاخر اسلام. جلد چهارم. تهران: امیرکبیر.

۱۵. دهدار، محمد (۱۳۷۲). قضا و قدر. تصحیح و

پیشگفتار و تعلیقات حسن زاده آملی. قم: قیام.

۱۶. زارعی مهرورز، عباس؛ علی صوفی، علی رضا (۱۳۸۸). «پژوهشی تاریخی درباره خاندان مهاجر دهدار در عهد صفوی»، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، ۱۱(۲)، صص ۶۳ – ۹۴.

۱۷. ساعتچیان، فیروزه (۱۳۸۷). «شمس‌الدین محمد

بن احمد خفزی فیلسوف و منجم نامدار مکتب شیراز»، کتاب ماه فلسفه، ۱۳(۱۳)، صص ۶۸ – ۱۰۳.

۱۸. صداقت کیش، جمشید (۱۳۸۹). جهرم در پویه

تاریخ. شیراز: فرهنگ پارس، به سفارش بنیاد فارس شناسی و مرکز جهرم شناسی.

۱۹. طوفان، جلال (۱۳۸۱). شهرستان جهرم. چاپ

سوم. شیراز: کوشامهر.

۲۰. فرامرزق‌راملمکی، احد (۱۳۸۳). «پارادوکس دروغگو و راه حل شمس‌الدین محمدخفزی»، فصلنامه

اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۱(۱۱)، صص ۳۳ – ۴۴.

۲۱. کاکائی، قاسم (۱۳۷۵). «آشنایی با مکتب شیراز:

۲ – محقق خفزی»، خردنامه صدرا، (۴). صص ۷۱ – ۷۹.

۲۲. کاکائی، قاسم (۱۳۸۷). غیاث‌الدین منصور دشتکی و فلسفه و عرفان: منازل السائرین و مقامات العارفین. شیراز: فرهنگستان هنر.

۲۳. مختاری باب اناری، بهنام (۱۳۸۰). خفر دیار ناشناخته. شیراز: راهگشا.

۲۴. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۱). شمس‌الدین خفزی.

تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار شهید مطهری: شرح مبسوط منظومه. جلد نهم. تهران: صدرا.

۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار شهید

مطهری: خدمات متقابل اسلام و ایران. جلد چهاردهم. تهران: صدرا.

۲۷. مدرس زاده، عبدالرضا (۱۳۸۸). «مکتب ادبی

کاشان در دوره صفویه (۱)»، روزنامه اطلاعات، ۲۱ تیر، ص ۶.

پرورش داده که بزرگترین آن شاه طاهر است که به برکت او تفکر شیعی در هند رواج یافته است.

– محمد بن احمد خفزی به‌احتمال قوی در سال ۹۴۲ هجری در کاشان وفات نمود و همان‌جا در خارج درب عطا (امامزاده عطابخش) مدفون گردیده است.

منابع:

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۰). جلال‌الدین دوانی، فیلسوف ذوق التّاءّه. تهران: هرمس.

۲. اشراق، محمدکریم (۱۳۵۱). بزرگان جهرم. تهران: پیروز.

۳. اشراق، محمدکریم (۱۳۵۲). «مولانا شمس‌الدین

خفزی ۸». مجله وحید، ۱۱(۱۱۴). صص ۳۱۰ – ۳۱۸.

۴. اوجبی، علی (۱۳۸۳). «آغاز شناسی در شاهکار کلامی خفزی، نابغه گمنام سده دهم هجری»، آینه میراث، (۲۶)، صص ۱۳۵ – ۱۴۹.

۵. برزگر، محسن (۱۳۹۰). نجم‌الدین: نیم‌نگاهی به زندگی نامه حضرت آیت‌الله حسن حسن زاده آملی. چاپ ششم. قم: اشک یاس.

۶. جورج صلیبا (۱۳۹۲). «مدل‌های غیر بظلموسی

شمس‌الدین خفزی در اواخر دوره اسلامی»، ترجمه امیر محمد کمیتی، میراث علمی اسلام و ایران، ۲(۳).

صص ۶۴ – ۸۵

۷. جهان‌مهین، مجیدرضا؛ جهان‌مهین، عبدالحسین.

(۱۳۸۴). اثر آفرینان جهرم. زیر نظر شکرالله جهان‌مهین. قم: راسخون.

۸. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۸۵). در آسمان معرفت: تذکرة اوجدی از عالمان ربانی، گردآوری و تنظیم محمد بدیعی. چاپ هفتم. قم: تشیع.

۹. حسینیه فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۷۸). فارسنامه

ناصری. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی. چاپ

دوم. تهران: امیرکبیر.

۱۰. حسن زاده آملی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۳۸۲). تعلیقه بر الهیات شرح تجرید ملاّ علی قوشچی. مقدمه و تصحیح فیروزه ساعتچیان. تهران: میراث مکتوب.

۱۱. خفزی شیرازی، شمس‌الدین محمد بن احمد

(۱۳۸۴). اربعینات. به کوشش عبدالعزیز کریمی.

تهران: گنجینه بهارستان.

۱۲. خفزی، شمس‌الدین محمدبن احمد (۱۳۸۸). «تفسیر آیت الکرسی»، تحقیق جواد فاضل بخشایشی،

آفاق نور، (۹)، صص ۳۶۸ – ۳۹۳.

ستم‌ستیزی‌های پروین، این پروانه بی‌پروای سپهر سیاست راه، برشمرده و بر کاویده و بنمایانم. ابتدا نظر شریفان را

به زبده و عصاره کلام برخی از بزرگان عرصه پژوهش، درباره رویکردهای سیاسی و اجتماعی در شعر پروین، جلب می‌کنم و دیدگاه آنان را کلید و دبیاجه ورود به‌نقد و بحث خود قرار می‌دهم.

دکتر محمد معین در جلد ۵ فرهنگش می‌نویسد: «شعر پروین مضمّن نکات اجتماعی و انتقادی و اخلاقی است» (ج ۵ اعلام ص ۱۵۶)

ناشر آثار پروین، می‌نویسد: «شعر پروین، شعر درد انسان‌هاست. درد فلسفی و درد اجتماعی آن‌ها. شعر او، سرود سوز و ساز ستمدیدگان و از افتادگان و فریاد و خشم آن‌ها علیه ستمکاران و متجاوزان است.»

(مقدمه دیوان پروین ص ۱۳)

علامه دهخدا به خاطر سروده‌های آتشین پروین که بی‌پروا، بر ستمگران می‌شورید، می‌گوید:

«پروین، دیوان شعرش را به دست آتش‌سپرده است.»

(لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه پروین)

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن: «یکی از بدیع‌ترین و دل‌آزوترین شگوفه‌های ادب فارسی و یکی از منادیان محبت و مرمدمی و تقوی، در عصر حاضر، خانم پروین اعتصامی است.»

(مجله پیام نوین، سال سوم، شماره ۱۰)

دکتر حجی آراین‌پور: «پروین از شعر و هنر خود، تنها چشم اصلاحات اجتماعی و اخلاقی دارد. پروین مدافع حقوق رنجبران و رنجدیدگان و شریک درد و غم زحمت کشان است و به‌طور خلاصه سخنگوی پرشور و پابرجای تیره‌بیختن است.»

(از نیما تا روزگار ما جلد ۳ ص ۵۴۱)

ملک‌الشعرای بهار: پروین را در حکمت با ناصرخسرو و در عرفان و تعالیم اخلاقی و اصلاحات اجتماعی، با سعدی قابل‌مقایسه می‌داند.

(دبیاجه ملک‌الشعرای بهار بر چاپ اول دیوان پروین) وزارت معارف دولت پهلوی، به‌پاس روشن‌اندیشی‌های پروین، نشان افتخار علمی را به او عطا کرد. ولی پروین این نشان را با این عبارت که «شایسته‌تر از من بسیارند» نپذیرفت.

(شرح‌حال پروین به قلم بردارش ص ۷)

دکتر لطفعلی صورنگر: «پروین از جنبه فصاحت لفظی و فنون و صنایع شعری، خنسای عصر و رابعه دهر است.»

(مجله مهر– شماره ۷)

شمع زبانه سخن افروز ساز شام من از صبح سخن روز ساز آن‌گونه که از گفتار و کردار پروین و احوال و آثار ارجدار و پرشمار پدرش یوسف اعتصام‌الملک برمی‌آید، وی در خانواده‌ای مذهبی، مسلمان و روشنفکر، نشو و نما می‌کند.

خانواده‌ای که با همه افق‌های روشن و باز، آشنایند و هم به مسلمانی خود مباه و مفتخرند و هم از جمودت فکر، میّزا و برحذرند.

گرچه پروین از نوجوانی دوشادوش پدرش به سیر در آفاق‌وانفس پرداخت؛ اما به یُمِن و نص اشعار بلند و آرمان‌های آسمانی‌اش، می‌توان بدون کمترین شک، ادعا کرد که پروین در نیمه‌های آغازین این سیرسولوک، گوی سبقت را از پدرش ربود و بدون اغراق و مدهانه، «ختر چرخ ادب» شد. به میمنت تمکن و شیفنگی زاندالوصفی که پدرش بدو داشت، با تمدن و فرهنگ و ادب جهان غرب آشنا و بر زبان لاتین مسلط شد. به‌گونه‌ای که این آشنایی و استیلا در بسیاری از قطعات و تصاید پروین به شیرینی و پروریزی، تجلی و نمود پیدا کرده است. به نظر من که سال‌هاست، ذهن و زبانه با دیوان این ستاره قدر اول کهکشان ادب فارسی، خوگر و معتاد است. برجسته‌ترین آرمان‌های محوری پروین، عبارتند از:

۱. تعلیم و تربیت نوجوانان، جوانان و دانشگاهیان، به امید اصلاح نسل فردا (مقدس‌ترین و اهورایی‌ترین آرمان پروین)
۲. سالوس‌گریزی و مبارزه بی‌امان با دین‌فروشی و ریاکاری
۳. ستم‌ستیزی و ترسیم‌چهره زشت ستمگران و ستایش از داد و دَهش
۴. عشق به آزادی و استقلال فکری آحاد ملت ایران
۵. تبارشناسی زن و تلاش برای تحقق‌مدیریت‌ملکوتی این نیمه‌پنهان و مخالفت با اشکال مختلف تبعیض جنسیتی. برای کسانی که در فحص، غور کرده و شیفته کاوش و جستارند؛ بدیهی است که تبیین و تفسیر و ترسیم هرکدام از این محورها، محتاج رساله‌هایی غفیر و حجیم است. سال گذشته که به همت آموزشگاه ممتاز «غیردولتی علم و زندگی» از پروین، تبجیل و تجلیل به عمل آمد، برای نویسنده این‌سطور نیز فرصتی فراهم شد تا در ذکر جمیل حضرتش سخن بگویم که در اندیشه‌های ملکوتی و سالوس‌گریزی و طعنه و طنزهایش علیه دین‌فروشان، پرده بردارم. اینک نوک خامه‌ام را متوجه سویمین آرمان محوری پروین کرده‌ام تا شاید بتوانم در مجالی اندک، شمه‌ای از